

بود، تصمیم گرفت این پیمان را تصویب نکند. یکی از مهم‌ترین دلایل این گریز ایالات متحده آن بود که احساس می‌کرد، مشارکت این کشور بیهوده خواهد بود. چین نیز دومین نشر دهنده‌ی بزرگ گازهای گل‌خانه‌ای بود و مسئولیت‌های کاهش نشر خود را بر عهده نگرفت. درحالی‌که چین از امضاکنندگان این پیمان بود اما طبقه‌بندی آن در زمره‌ی کشورهای درحال توسعه، این کشور را از هرگونه مسئولیت کاهش معاف می‌داشت. اوایل سال ۲۰۱۲ کانادا از پیمان کیوتو قبل از اتمام مرحله‌ی اول خارج شد؛ و بلاروس، ژاپن، نیوزیلند، روسیه و اوکراین حاضر نشدند مشارکت خود را ادامه دهند. پیمان کیوتو با هر متر و معیاری در تثبیت انتشار گازهای گل‌خانه‌ای شکست خورده بود. (Todd et al, 2014) پس از سعی و خطای متعدد در سال‌های پس از ریو، کم‌کم جهان به این نتیجه رسید که باید طرحی نو در انداخته شود و باید در روش‌ها برای مبارزه علیه گرمایش زمین تجدیدنظر به عمل آید. در نتیجه تلاش‌ها به کنفرانس پاریس ختم شد. طراحی توافق پاریس اشاره می‌دارد که کشورهای پیشرفته باید طلایه‌دار این حرکت باشند، ولی آن‌ها به‌تنهایی قادر به مبارزه با گرمایش اقلیم نیستند. (Streck, 2016, p. 26)

بحران اقلیمی با تأثیرات چشم‌گیر و فاجعه‌آمیز بالقوه، منتج به وضع محدودیت در انتشار گازهای گل‌خانه‌ای و مهیا نمودن استراتژی‌های تطبیق گردید. گفت‌گوهای اقلیمی بین‌المللی که این اهداف را دنبال می‌کنند را می‌توان به‌طور کلی به چهار فاز تقسیم کرد:

فاز اول گستره‌ای از پذیرش کنفرانس کنوانسیون تغییرات اقلیمی سازمان ملل در سال ۱۹۹۲ تا پذیرش تعهد برلین در ۱۹۹۵ را در برمی‌گیرد. در طول این سال‌های اولیه سیاست‌های اقلیمی کشورهای درحال توسعه که سهم کمی (اگر سهمی داشته باشند) از هرگونه تعدیل و محدودیت معاف می‌شوند. هدف اصلی اتحادیه اروپا در آن زمان این بود که آمریکا را متقاعد کند که یک الزام اقلیمی را بپذیرد. در این زمان آمریکا نسبت به مشارکت در یک توافق محدودکننده، که اعضا را در یک لیست ثابت در ضmann تفکیک می‌کند بی‌میل بود؛ ولی سرانجام از معاهده‌ای که محدودیت‌های جداگانه را برای کشورهای توسعه‌یافته و